افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد

هو المعز

راه نجات ملت

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه الکریم کُنتُم خَیرَ اُمَّةٍ اُخرِجَت

لِلنّاسِ تأمُرُونَ بِالمَعرُوفِ وَتَنهَونَ عَنِ المُنکَرِ و

تُؤمِنُونَ بِاللّه یعنی هستید شما بهترین امّتی و خیریت این امّت

بجهة آنست که در سلک خدمت حضرتش منتظم اند بیت

چون خدا پیغمبر ما را رحمت خوانده است   افضل پیغمبران [illegible]

و خیریت این امت درین سه صفت است که میفرمایند بمعروف (یعنی چیز

که شرع آنرا تحسین دارد) و نهی میکنند از منکر (و آن چیزی بود که شارع

آنرا مستقبح شمارد) و میگروند از روی تحقیق بخدا (و ایمان بخدا متضمن

آنست که ایمان داشته باشند بهرچه ایمان بدان لازم است

چه ایمان بخدا وقتی متحقق شود که بهرچه فرموده است که ایمان آرند ایمان

آورده باشند)

نظر بمضمون آیه وافی هدایه این حقیر مرا با تقصیر مطالبی راجع باقدامات

غفران مآب نادرشاه افشار رضوان الله علیه در مرتفع ساختن اختلافات

فیما بین افراد مسلمین در (تاریخ فارس نامه ناصری) که

در عصر مرحوم ناصرالدین شاه در طهران بطبع رسیده است

ملاحظه نموده و برحسب وظیفه خداشناسی و اسلامیت در ضمن این رساله

مختصر سعی بوده نجات ملت با اطلاع عموم برادران دینی و اسلامی میرساند

که تا مسبوق شوند آن یگانه سلطان با اقتدار خداپرست برای ترقی

و تعالی ملت ایران و رفع مناقشات از فیمابین فرق اسلامی

چگونه مجاهدت فرموده است و پس از مطالعه و دقت نظر در مندرجات

آن البته عموم برادران اسلامی تصدیق خواهند فرمود که هرگاه

مقاصد مشروعه آن یگانه بزرگ دانشمند کاملاً بموقع اجرا گذارده

میشد این اختلافات کلمه از مابین امت حضرت خاتم الانبیاء (ص)

که همه دارای یک پیغمبر و یک کتاب هستیم برداشته شده بود و

بعلاوه اینکه اختلافات کلمه از فیمابین این امت مرتفع بود اختلافات

کلمه یکی از این افراد بشر برداشته شده بود و تمام افراد بشر تاکنون

نسبت بیکدیگر طریقه محبت و یگانگی را پیشه خود ساخته و مطابق با این

عقلیه و اراده الهیه با نهایت خرمی و خوشی برادرانه در تحت کلمه

واحده آسوده و راحت زندگانی مینمودند و افراد نوع خود

را مانند پدر و مادر و فرزندان عزیز خود میدانستند و در اینصورت

بدیهی است که دنیا گلستان شده بود

(صفحه ۱۷۹)

نادر فرمودند راه هوس تاج و هوای شاهی نیست این سخنان را موقوف

دارید که شاهی رضای ماست و تا گاهی که این گفتگو در میان بود پس

نواب نادر (نایب السلطنه پسر رضا را احضار نموده چنین گفت که

از زمان رحلت حضرت رسالت پناهی چهار خلیفه پس از یکدیگر متکفل خلافت

شدند و هند و روم و ایران و ترکستان بخلافت آنها قایل گشتند

و شاه اسمعیل بر صلاح دولت خود این مذهب را که داشت و طریقه

شیعهٔ اثنی عشری را سلوک داشت و علاوه سبّ اصحاب را که

فعلی است بیهوده و مایهٔ مفاسد است در زبانها جاری شده و خاک

ایران را بفتنه و فساد مذهبی آمیخت و مادام که این فعل مذموم

در میان است فتنه و مفسده برقرار است .

اگر تمامی اهالی ایران بسلطنت ما راغب و آسایش خود را طالب

باشند باید این فعل را که مخالف مذهب اسلاف است کنار گذاشته

طریقه اهل سنت را معمول دارند و چون حضرت امام جعفر صادق ع

دین بموجب آنحضرت آشنا گشته اند باید حضرت صادق ع را مذهب

خود دانسته معتقد اجتهاد آنحضرت باشند پس تا مدت صد هزار نفر

که در صحرای مغان حاضر بودند این حکم را مرضی داشته اذعان نمودند

پس وثیقه نامه برای استقرار این مطلب نگاشته بمهر پاک اعتقادی علما

و اعیان مختوم مصالحه بخزانه عامره سپردند پس نواب نایب السلطنه

نادرشاه فرموده بودند چون پادشاه کیوان جاه قیصر روم خادم حرمین

شریفین است این عهد که از جانب شما بعمل آمده موجب رضای او خواهد

بود و ما هم در شرط مصالحه با آن پادشاه

پنج مطلب را مقرر میداریم

اوّل آنکه چون اهالی ایران از طریقهٔ مرضیهٔ سلاطین صفویه گذشتند

و طریقهٔ اهل سنت را بتقلید حضرت امام جعفر صادق ع قبول کردند باید

قضاة و علمای روم تصدیق بر صحت آن کرده آنرا خامس مذاهب اربعه بشمارند

دوّیم چون ارکان اربعهٔ کعبهٔ معظمه متعلق بائمهٔ اربعهٔ چهار مذهب اهل سنت است

باید امام مذهب جعفری در یک رکن از آنها شریک بوده بآیین جعفری

نماز گذارند

سیّم آنکه هر ساله از جانب دولت ایران امیر حاج معین گشته حاج

ایران را مانند امیر حاج مصر و شام با عزت تمام بمقصد برساند

چهارم آنکه گرفتاران هر دو دولت مطلق العنان آزاد بوده خرید و فروش

آنها را روا ندارند

پنجم آنکه وکیلی از جانب هر دو دولت در پای تخت یکدیگر بوده امور

هر دو مملکت را بر وفق مصلحت بگذرانند

پس تمامت صد هزار نفر از اعیان ایران که در صحرای مغان حاضر

بودند شکرگذاری نموده بدعای دولت بیزوال پرداختند

(صفحه ۱۹۰)

ماه ذی القعده بود لطیف افندی و منیف افندی از دولت عالیه

روم بسفارت مأمور گشته وارد درگاه معلی شده نامه پادشاه ذیجاه

ممالک روم را که متضمن نامه بود از انکار علمای مکه معظمه و مدینه

طیبه و ممالک روم به تصدیق مذهب جعفری و تفویض رکنی

از ارکان کعبه رسانیدند و حضرت شاهنشاه در جواب آن

مکتوب مرقوم داشته‌اند که قبل از آنکه پادشاهی ایران زمین به سلاطین

ترکمان اختصاص یابد بعضی از ممالک روم و هند و ترکستان داخل

حوزه آن مملکت بود و بعد از آنکه باقتضای تقدیر سلطنت ایران به سلاطین

صفویه انتقال یافت و در عهد آنها بلخ و توابع آن در تصرف

اوزبک و کابل و توابع آن بتصرف هند و عراق عرب و دیار بکر

و بعضی از آذربایجان در تصرف دولت روم درآمده است چنانکه

مسطور در تواریخ و آن مشحون است و عهد و سنوی هم که میانه خاقانین

مغفورین امیر تیمور و اجداد خلد مکین ما و شاه سلیمان مکین قرار یافته معلوم است

و در زمانی که بتأیید ایزدی بر اورنگ سلطنت ایران جلوس نمودیم

معهود ضمیر داشتیم که انشاء الله تعالی ممالک موروثی که در تصرف

سلاطین اطراف است اشراع و استرداد شود سوای ممالک متصرفی

دولت روم که اولاً آنحضرت را بقبول تکلیف امورات خمسه تصدیع

دهیم هرگاه صورت حصول یابد فهو المطلوب و چون غرض اصلی نظم سرر رشته

املیت است البته در باقی مواد مضایقه نخواهد بود و ملک و ملت

فیما بین جدائی نخواهد داشت و هرگاه مقرون بقبول نگردد کنون حال را

نگاشته لوحهٔ اعلان سازیم و در عالم دوستی و برادری توقع داشتیم

که امور خمسه چون متضمن اصلاح حال مسلمانان است و آنحضرت نیز خلیفه

اسلام بودند بروجه اتم و اکمل فیصله یابد و آن مطلب در عقدهٔ تعویق ماند

و چون میانه دور و نزدیک حرفی گفته ایم بمطلب حرف خود عازم

روم میباشیم و امیدوار هستیم که انشاءالله تعالی بعد از ورود

با آن سرزمین در عالم مهمان نوازی از طرفین اشرف آن دولت

علیه امور معهوده دریغ نکرد پس افندیان رومی را رخصت انصراف

فرموده روانه مقصد شدند . و هر چند در صحرای مغان نحوی که سابقاً نگاشته

شد شناعت سب و رفض را خاطر نشان اهالی ایران کرده ایشانهم

طوعاً او کرهاً خریدار آن کالا شدند و در این اوقات برای مزید

تاکید تجدید حکم موکد و فرمان تجدید خطاب بهمگی اهالی ایران از حدود

دربند الی منتهای کابل و پیشاور باین مضمون صادر گردید

صدور فرمان برای اهالی ایران در منع از سب

و رفض خلفای راشدین

بگلربیگیان عظام و حکام کرام و سادات عالیمقام و علماء و فضلای

گروه احتشام و اهالی شرع مبین و اعیان ممالک حق آئین و کلانتران

و کدخدایان بر و بحر و قاطبهٔ قاطنین ممالک محروسهٔ شاهنشاهی و مستوطنان

قصر معمور دولت ابد مدت ظل اللهی بمکارم بیدریغ خاقانی و عنایات

از حد افزون قاآنی امیدوار بوده بدانند

که در شورای کبری در صحرای مغان در حینی که جمهور انام و کافهٔ خاص و عام

ایران از نواب همایون ما استدعای قبول پادشاهی میکردند

بایشان تکلیف فرمودیم در صورتی مسئول شما مقرون بقبول خواهد شد

که از عقاید فاسده نکول کرده در حقیت خلفای راشدین رضوان الله

علیهم اجمعین که مذهب آبای همایون ما بوده اذعان و قبول کرده از

رفض و سب خلفای ثلاث تبرا و محبت ایشان و ولایت حضرت اسد الله

الغالب و مظهر العجایب علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه تولا نمایند

و تمامت ارباب حل و عقد شورای کبری برهمونی حکم اقدس و ارشاد

امر مقدس ترک عقاید فاسده نموده بولای آن چهار رکن ایوان دین

مبین تمسک کردند و حضرت همایون ما در ازای این خدمت سریر سروری را

بجلوس میمنت مانوس اقدس زینت داده تعهد نمودیم که عهود خمسه

معهوده را با اعلیحضرت فلک رفعت خاقان البرین و سلطان البحرین

خادم الحرمین الشریفین ثانی اسکندر ذو القرنین پادشاه اسلام برادر

والا احتشام اعنی سلطان ممالک روم اعلام و آن مطلب را

بروفق مامول پذیرای اختتام سازیم که مقدمات مزبوره بپاید

التی قریب الحصول است و در آنوقت که صاحبت در مسند سلطنت

رایات فیروزی آیات بود تجدید مزید الالقا گیدا از برای توطین

خاطر همایونی از علامة العلمائی ملا علی اکبر ملاباشی و باقی علمای کرام

که در رکاب ظفر انتساب حاضر بودند در مجالس و خلوات

استعلام فرمودیم همان مراتب سابق را معروض داشته و به

جهت حجاب شبهه از پیشگاه ضمیر اقدس مرتفع گردیده بتحقیق

پیوسته که اصل سب و رفض ناشی از اغراض نفسانی شاه اسمعیل

صفوی بوده والا در صدر اسلام تمامت مسلمین بر یک طریقه ثابت

و راسخ بوده اند اگرچه اختلاف در فروع دین داشته اند

بناءً علیهذا بتایید ربانی و الهام سبحانی حکم اشرف اقدس

اعلی از موقف عز و علا شرف صدور یافت که بنحوی که در مبادی اسلام

تمامت مسلمین خلفای اربعه راشدین را خلیفه علی التحقیق میدانستند

و بهیچ وجه اختلافی در میان نبوده است باید کل اهالی ممالک محروسه بهمان

دستور هریک را خلیفه بحق دانسته از سب و رفض محترز باشند

و خطبای کرام و نقبای عظام در رؤس منابر اسامی سامی و مناقب

خلفای اربعه کرام را مذکور و جاری ساخته در تحریر و تقریر نام ایشان را

بخیر یاد و شاد نمایند و علامی فهامی خلاصة الفضلا الکرام میرزا محمد

نایب الصداره ممالک محروسه را باقطار ممالک خاقانی روانه فرمودیم

که مضامین حکم همایون را بهمه دور و نزدیک القا دارد ایشان نیز

بسمع قبول اصغا نموده تخلف از مدلول آنرا موجب عذاب الهی

و غضب شاهنشاهی دانند

صفحه (۹۲)

در دوره دیگر از راه مشهد عازم نجف اشرف گردید، چون جماعتی از
فحول علمای ایران و افغان و ترکستان و خوارزم در رکاب
ساطعش حاضر بودند و تمامت آنها همت علیا مصروف
اتحاد مذهب اسلام و رفع شبهه و نزاع از میانه امت حضرت
خیر الانام بود علمای نجف اشرف و کربلای معلی و حله و بغداد
را احضار نمودند و در آستانه مقدسه علویه مجلس مذاکره را
بنا داشتند که با یکدیگر گفتگو کرده ماده مغایرت را از میان برداشته
طریقه اثنی عشری را مرعی دارند بنابراین تمامت علما در آن درگاه
عرش اشتباه مجتمع گشتند و بعد از گفتگو و اتحاد آمد آمد تفصیل نامه

نگاشته بمهرهای حضار مجلس رسیده آنرا در خزانهٔ مقدسهٔ نجفیه سپردند

و چندین سواد از روی آن برداشته باطراف بلاد اسلام فرستادند

ماحصل آن وثیقه نامه نفی سب و رفض خلفای اربعه و امر بموالات

ایشان بوده اعلیحضرت شاهنشاهی برای اخبار ماجرای این مجلس

ایلچی روانهٔ دولت عالیهٔ روم فرموده و از اعلیحضرت قیصر که طالب

پنج مطلب که سابقا اظهار داشته بود شد

مطالبهٔ قبول مطالب خمسه از قیصر روم

مطلب اول آنکه اهل ایران چون از عقاید باطله نکول و مذهب جعفریرا

که از مذاهب حقهٔ اسلامیه است قبول نموده اند قضات

مسلمین واقفین بان اذعان کرده آنرا خامس مذاهب بشمارند

مطلب دویم آنکه چون در کعبهٔ معظمه ارکان اربعه مسجد الحرام با ائمه

مذاهب اربعه تعلق دارد ائمه مذهب جعفری را در رکن

شافعی برای نزدیکی این دو مذهب بیکدیگر شریک [با ائمه شافعی]

باشند که بعد از ایشان با امام خود نماز گذارند

مطلب سیم آنکه هر ساله از طرف ایران امیر حاجی معین شده که با

امیر حاج مصر و شام حاج ایران را بمقصد رساند [در کمال عزت و احترام]

مطلب چهارم آنکه اسرای دو مملکت نزد هر کس باشند آزاد

کرده خرید و شرا را بر آنها روا ندارند

مطلب پنجم آنکه وکیلی از دو دولتین در پای تخت یکدیگر بوده امور

مملکتین را بر وفق مصلحت فیصل دهند با این وسیله

اختلاف از میانه اهل اسلام برداشته شود و بغداد

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ رسم برادری در میانه

اهالی روم و ایران سلوک کرد

و ورقه دیگر نگاشته و علمای ایران صورت عقیده اسلامی خود را باین

مضمون نگاشتند

که عقیدهٔ اسلامیه داعیان دوام دولت

قاهرهٔ نادریه و علمای ممالک ایران آنست

که بعد از وفات حضرت سید المرسلین صلعم باجماع ارباب حل و عقد

خلافت را بر خلیفه اول ابی بکر صدیق رضی الله عنه و بعد از او بنص

آنجناب بر فاروق اعظم عمر بن الخطاب و بعد از او بحکم شوری

بود ذو النورین عثمان و بعد از او بجناب ولایت مآب اسد الله الغالب

امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه الصلوة والسلام قرار داده و خلفای

راشدین رضوان الله علیهم اجمعین را بترتیب مذکور خلیفه حضرت

سید المرسلین ص میدانیم و بنحویکه جناب شیخ الاسلام و افندیان عظام

دولت عالیه عثمانیه تصدیق بر صحت مذهب جعفری نموده اند مقلد

طریقه حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه میباشیم و بر این عقیده

راسخ و ثابت و جازمیم و هرگاه بر خلاف این عقیده از ما بظهور

برسد از دین اسلام بیگانه و مورد غضب خداوند

یگانه و سخط شاهنشاه

زمانه باشیم

عقیده اهل و اعیان دولتین علیتین علمای نجف اشرف و کربلای معلی و حله و بغداد انکه

امام جعفر صادق ع از ذریه رسول خدای اکرم و ممدوح امم و نزد ائمه مذاهب

اربعه اهل سنت مقبول و مسلم است و از قراریکه علمای ایران

عرض و تحریر کرده اند و نزد و اعیان تحقیق رسیده است عقاید

اسلامی اهل ایران صحیح و فرقه مزبوره قائل بحقیت خلفای کرام و از

اهل اسلام و امت حضرت سید الانام علیه الصلوه والسلام

میباشند و هر کس با آن فرقه اظهار عداوت دینی کند آنکس از دین

خدا و رسول وی بیرون و در دنیا محاکمه آن با سلطان عصر

و در عقبی با جبار شدید البطش والقهر خواهد بود

عقیده اهل و اعیان علمای بخارا و بلخ و خوارزم

آنکه عقاید صحیحه اهالی ایران بنحویست که علمای فوق مرقوم داشته‌اند

و این فرقه داخل اهل اسلام و امت حضرت سید الانام میباشند

و هرکس باین جماعت اظهار عداوت دینی کند خارج از دین و محروم

از شفاعت حضرت سید المرسلین بوده در دنیا بازخواست

او با پادشاه با استحقاق و در آخرت با شاهنشاه علی الاطلاق

خواهد بود و اختلافاتی که معتقدین مسطوره را در فرعیات

با ائمه اربعه مذاهب میباشد منافی و مغایر اسلام نیست و

اصحاب این اعتقاد از اهل اسلام میباشند و مذهب و اسم فریقین

که مسلمان و امت محمدیه و برادر دینی اند بر یکدیگر حرام است

و این نوشته را روانهٔ اسلامبول نمودند

عقیدهٔ اسلامی نویسندهٔ این رسالهٔ شریفه این است

که امروز بر هر مسلمان حساسی که گوش دل او شنوا و فریاد وا

غُربتاه و واقلّت ناصراه اسلام را بگوش جان استماع نماید

و با چشم دل حالت کنونی افراد مسلمین را مشاهده میکند که بواسطه

نزاع خانگی چگونه دچار بدبختی گردیده و نتیجه اینکه اجرای احکام قرآن

مجید را پس پشت انداخته و بوظایف مقرره چون کاملا عامل نیستند

بچه قسم مصداق آیه وافی هدایه ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذِّلَّةُ

وَالْمَسْکَنَةُ واقع گردیده و در نتیجه دستخوش اجانب شده‌اند

واجب و لازم دانسته امری فوری تر است که با نهایت

برحسب ابتغاء لمرضات الله نزاع و کشمکشی که فیمابین فرقتین اسلامی را

مطابق براهین عقلیه و با لسان لینتی مرتفع ساخته و همگی را یکدل

و یکجهت کرده با نهایت جمعیت مشغول اجرای احکام الله المجید که

آسایش و زیستی نوع بشر در آن موجود است شده و متحدا

و متفقا حتی الامکان عملیات خود را مطابق اقوالمان نمائیم که

اَلْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ یَدِهِ وَلِسَانِهِ بدیهی است

همینکه نتیجه اجرای احکام الهی را در میانه مسلمین حقیقی عقلا سایر ملل

حسا مشاهده فرمودند و فواید و نتایج حسنه آنرا بالعیان

دیدند با نظر باینکه هیچ یک از افراد بشر نسبت بخود عداوت

و دشمنی ندارد و روح تمام افراد بشر در صورتیکه یکی نگار است

و نافرمانی حقتعالی او را بکلی تباه نکرده باشد مایل بصراط مستقیم

میباشد، البته در اندک مدتی طرق مختلفه و اختلاف کلمه را

کنار گذارده و همگی طریقه واحده را مطابق براهین عقلیه اتخاذ

نموده ورقه رفته از این ذلت نفاق و بدبختی کنونی تمام اهل عالم

آسوده شده، و در عوض طریقه مودت و یگانگی را پیشه خود خواهند

ساخت کما قال المولوی المعنوی علیه الرحمه

طفلکی گو تا ندانند سیب هست او چو پیاز گنده را ندهد ز دست

مسلم است هر خداپرست و مومن باغیرتی که در پیشرفت این مقصود مقدس

عاملی که اولا باعث ایجاد اتحاد فیمابین فریقین اسلام و در ثانی

موجب اتحاد بین الملل است حتی الامکان بکوشد و عملیات دولتین [illegible] را

برای یَوْمَ لَا یَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ذخیره نماید البته عند الله

ماجور بوده و هرگاه در این مجاهده شربت شهادت بنوشد مصداق

آیه وافی هدایه وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللهِ

اَمْوَاتًا بَلْ اَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ فَرِحِینَ

بِمَا آتَاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ واقع خواهد گردید و مفهوم این

آیه شریفه شامل حال او خواهد بود

خرم آنروز کزین منزل ویران بروم   راحت جان طلبم از پی جانان بروم

مایه خوشدلی آنجاست که دلدار آنجاست   میکنم جهد که خود را مگر آنجا فکنم

رقم زن این رساله شریفه استدعا دارد که پس از مطالعه و امعان نظر

بدعای خیر یادم فرمایند حقیر حسینی روحانی دهم شهر شوال المکرم ۱۳۳۸

آقای شیخ گیلانی

مجتهد دامت برکاته و والد رحمت پناه آیت الله حاجی شیخ هادی نجم آبادی طاب ثراه

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد الحمد و الصلوة فی الحقیقه عقیدهٔ اسلامیه جناب ... آقای میرزا آقاخان

روحانی المقام و عنصر فانی الکلام صاحب حیات تازه و فی الواقع

ترتیب دهندهٔ این رسالهٔ شریفه مورد تحسین عقلاء خالی از وهم و هوی

و مستوجب تقدیس مقدسین شرع و شیع اسلام است و خداوند عالم

امثال ایشان را در عالم عموماً و در این مملکت خصوصاً زیاد فرماید

قطع نظر از عقیدهٔ شخصیه ایشان مندرجات این رساله حقیقة عالم

اسلامیت بلکه عالم انسانیت را روح تازه دهنده و حیات جاوید

بجنبانیده است و منحرفین از طریقه اسلامیت را از خواب غفلت

بیدار نماید و امر در یگانه چیزی که باعث ترقی مسلمانان عالم عموماً و مسلمانان

ایران خصوصاً میباشد اتحاد حقیقی و یگانگی معنوی با یکدیگر است

چه که چیزیکه باعث خسران و بدبختی مسلمین خصوصاً منحرفین گردیده همانا

اختلاف کلمه است مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ بَغْياً بَيْنَهُمْ

در واقع اگر افکار مرحوم مغفور نادرشاه تاکنون مجری شده بود ملت

اسلام خصوصاً مسلمانان ایران در ترقی و تعالی اول ملت بودند در عالم

بهرحال بر هر فردی از افراد مسلمین واجب لازم است که دو دلگی

و نفاق کنونی را از ما بین فریقین اسلامی مبدل بیگانگی و اتفاق کلمه

فرماید و همگی بمدلول آیه شریفه وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا

عمل نموده و خود را داخل در مدلول آیه وَاذْکُرُوا نِعْمَةَ اللهِ عَلَیْکُمْ

اِذْ کُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ وَکُنْتُمْ عَلیٰ

شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَاَنْقَذَکُمْ مِنْهَا کَذٰلِکَ یُبَیِّنُ اللهُ

لَکُمْ آیَاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ قرار داده و از منطوق آیه

وَلَا تَکُونُوا کَالَّذِینَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ

الْبَیِّنَاتُ وَاُولٰئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِیمٌ

تری خارج نماید تا بدین وسیله آب رفته بجوی باز گردد و مسلمانان در آتیه

بحول و قوت الهیه بواسطه احتراز از مقاصد قرآنیه و سنت نبویه

برخلاف حالیه دارای مدارج عالیه و مراتب متعالیه گردیده

تا مدلول حدیث شریف الاسلام یعلو ولا یعلی علیه مشاهده گردد

و چنانکه در صدر اسلام بزرگان دین مبین و کبرای محدثین و علمای مفسرین

اسامی خلفای بعد النبی و صحابه را بطریق جمهور ذکر میکردند و چون آن را

در آیه ولا تنابزوا بالالقاب بئس الاسم الفسوق

بعد الایمان داخل نمیدیدند بلکه اقوال و گفتار ایشان را

روایه و درایه مستند او مرجع للقول الحق علمیا و عملیا اصلیا و فرعیا

نقل مینمودند بلکه افعال و رفتار ایشانرا در تفسیر بعضی آیات و

تبیین بعضی احکام سند معتبر قرار میدادند حتی در غیر موارد تقیه چنانکه

فتاوای اهل سنت و جماعت را مخالفا او موافقا للمذهب الحق

تأییدا او استنادا باکمال آداب انسانیه و احتراز از شطحیات

شیطانیه ذکر مینمودند و علیکم بکتب العلامه و المحقق و الشهید الاولین

وصاحب مجمع البیان وغیرهم من اصحاب الحدیث والتفسیر والفقه

حتی تعرف صدق مقالتنا پس خوب است تا نیز ترک این عادت

رویه که ناشی و حاکی از اخلاق خفیه است و بر خلاف سیره قدمار

اصحاب بوده بکنیم تا کینه های نفسانیه از قلوب بیرون رفته

و جلوات حقه اسلامیه ظاهر و هویدا گردد إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ

الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ

مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَن يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ

سَرِيعُ الْحِسَابِ واین مقاله مستدعاة ما منافات با عقیده

گونه ضمیر هر کسی که خود را محق در عقائد بداند مصیبا کان او مخطئا

ندارد و بطوریکه معمول و مأمور ائمه هداة اسلام الله علیهم اجمعین بوده

که ساحت مقدس ایشان از آلایش این طریقه مشئومه مجرده السوء منزه

و پاک بوده تا کم کم بعد از ترک این قبیل عمل قبیح از سبب قوی و رقص

عمل شنیع بعض جری هرگاه توفیق رفیق شد دار سعادت سایه افکند

بمحاسن اسلامیه باذخیه متقصر و بمثالب متغیرات مستبدعه

پی خواهند برد وَمَن لَم یَجعَلِ اللهُ لَهُ نُوراً فَمَا لَهُ مِن نُورٍ

وَمَن یُضلِلِ اللهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ وَمَن یُهِنِ اللهُ

فَمَا لَهُ مِن مُکرِمٍ وَنَسئَلُ اللهَ زِیادَةَ التَّوفِیقِ لِاهتِداءِ

الطَّرِیقِ المُستَقِیمِ وَالدِّینِ القَوِیمِ وَتَحصِیلِ السَّعادَةِ

وَالزَّادِ لِدارِ النَّعِیمِ بِمَنِّهِ وَکَرَمِهِ اِنَّهُ ذُو الفَضلِ العَظِیمِ

والسلام علی من اتبع الهدی شهر شوال المکرم ۱۳۳۷

(فاعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا)
راه نجات ملت
خلاصه اقدامات نادر شاه افشار
راجع بمتحد نمودن فریقین اسلام
قیمت ده شاهی
مطبعه « کلیمیان » طهران